نگاه

کربلا ما داریم می‌آییم

غلامحسین بهبودی

در دوران دفاع مقدس، زمانی که سفر فیزیکی به «کربلا» آرزویی دست‌نیافتنی به نظر می‌رسید، کمتر کسی فکرش را می‌کرد روزگاری نه‌چندان دور میلیون‌ها زائر از سراسر جهان و خصوصاً ایران اسلامی، مرزها را درنوردند و با پای پیاده خود را به این شهر مقدس برسانند.

زمان جنگ را یادمان است؛ روزهایی که حسرت کربلا در سرودها، شعارها و نوحه‌ها رخ نشان می‌داد و هر گوشه از جبهه را که نگاه می‌کردی، یاد و ردی از کربلا به چشم می‌خورد. آن روزها رزمنده‌های ایرانی در حالی قدم به میدان جهاد می‌گذاشتند که روح و جسمشان با فرهنگ عاشورا عجین شده بود. فرهنگی که در آن مفاهیمی چون شهید و شهادت، حسین و عاشورا و «کربلا» معانی خاصی داشت.

در آن نبرد نابرابر که تمام جبهه کفر به مصاف اسلام ناب محمدی آمده بودند، کربلا درست چند کیلومتر آن طرف مرزها بود. شهری که به قول آوینی (مانند یک افق) بارها و بارها آن را به تعداد شهدایمان فتح کرده بودیم، به شکل ظاهری بسته بود و بسیاری از رزمنده‌ها در حسرت زیارت آن به خاک می‌افتادند و غرق در خون خود به شهادت می‌رسیدند.

آن زمان اگر کسی می‌گفت راه کربلا نه تنها برای رزمنده‌های خط‌شکن که برای مردم عادی نیز باز خواهد شد، همه آن را منوط به یک معجزه می‌کردیم. معجزه‌ای که چند سالی است به مدد ایستادگی و مقاومت ملت‌های ایران و عراق به واقعیتی عینی تبدیل شده است و هر سال با شکوه‌تر از سال قبل برگزار می‌شود.

اگر خوب نگاه کنیم، راهپیمایی چند ده میلیون نفری اربعین قدرت‌نمایی جبهه اسلام است که به مدد ایستادگی ملت ایران و خون رزمندگانش حاصل شده است. انتقال فرهنگ عاشورایی دفاع مقدس به حشدالشعبی و ملت عراق بود که باعث شد اکنون سنت حسنه راهپیمایی اربعین به این نحو باشکوه برگزار شود. وگرنه که موضوع اربعین و پیاده‌روی آن ریشه در تاریخ دارد و در دوره‌های مختلف به اشکال مختلف انجام می‌شد. اما آنچه امروز آن را عظیم و باورنکردنی کرده، همدلی دو ملت ایران و عراق است که شاکله این حرکت عظیم را پایه‌گذاری کرده و بستر لازم برای حضور دیگر مسلمانان و شیعیان جهان را در این حرکت بی‌نظیر بنا نهاده‌اند.

روزی که رزمنده‌های ایرانی شعار «کربلا ما داریم می‌آییم» را فریاد می‌زدند، بستر رود خروشانی را بنا می‌نهادند که اکنون در قالب بزرگ‌ترین راهپیمایی مذهبی سراسر جهان تجلی یافته است. حرکت عظیمی که می‌رود افق‌های بسیاری را فتح کند. امروز سوریه و فردا قدس شریف.

طرح «نایب‌الشهید» بر زیبایی‌های راهپیمایی عظیم اربعین افزوده است

شهدا همراه و همسفر زائران

حامد ملک پور / تسنیم

احمد محمد تبریزی

این روزها جماعت زیادی در راه حرم امام حسین(ع) هستند. دل‌های عاشق رهسپار سفری معنوی می‌شوند تا روح و جانشان را تازه کنند. عاشقان با پای پیاده کیلومترها پیاده‌روی می‌کنند تا پرچم سرخ سیدالشهدا(ع) پس از ۱۴۰۰ سال همچنان برافراشته بماند. حال و هوای اربعین حسینی حال زائرانش را خوب می‌کند. هر کس که یک بار مسیر پیاده‌روی اربعین را رفته و آن شور و حال را درک کرده است، دیگر توان دل کندن از آن جماعت و مسیر را ندارد. اما همگی به خوبی می‌دانند که باز شدن این راه و قدم برداشتن در این مسیر، تنها به مدد خون شهدایی حاصل شده است که روزگاری نه چندان دور در حسرت زیارت بارگاه حسین(ع) به شهادت رسیدند.

ترویج یک ایده ناب

پیاده‌روی اربعین با جمعیت میلیونی‌اش بهترین راه برای تبلیغ و ترویج مسائل دینی و معنوی است. وقتی جماعتی اینچنینی گردهم جمع می‌شوند، می‌توانند پیام‌های زیادی را به همدیگر و دیگران مخابره کنند. هر زائر می‌تواند سفیری برای نشان دادن زیبایی‌ها و الگوهای موجود در جامعه باشد. طرح «نایب‌الشهید» دقیقاً با همین ایده و تفکر پا گرفت و هر سال مشتاقان بیشتری را به سوی خود جذب می‌کند.

این طرح با یک ایده ساده و بسیار زیبا شروع و به سرعت همه‌گیر شد. هر زائر با انتخاب یک شهید، یاد و خاطره آن شهید را در طول راهپیمایی زنده نگه می‌دارد و آن را به دیگران نیز معرفی می‌کند. زائر به نوعی نایب‌الزیاره شهیدش می‌شود و از برکات همنشینی با شهدا استفاده می‌کند.

شهدای دفاع مقدس و مدافع حرم الگوهایی بی‌نظیر جهت معرفی به جامعه هستند و دوستی و رفاقت با این شهدا برکات زیادی برای زندگی افراد دارد. هر زائر با توجه به علاقه‌مندی‌ها و ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی‌اش یک شهید را انتخاب و در طول مدت پیاده‌روی اربعین، دیگر زائران را نیز با او آشنا می‌کند. زائران دیگری که از ویژگی‌های اخلاقی آن شهید اطلاع زیادی ندارند، از طریق زائران با شهدا آشنا می‌شوند. به این ترتیب در مدت زمان کوتاهی زنجیره‌ای از زائران شکل می‌گیرد که شهیدشان را به هم معرفی کرده و بر اندوخته‌های معنوی سفرشان افزوده‌اند. اینگونه راهپیمایی اربعین پربارتر و زیباتر انجام می‌شود و تأثیر بیشتری روی زائران دارد.

رفاقتی برای همیشه

اما ایده زیارت اربعین به نیابت از شهدا اینجا تمام نمی‌شود و تازه سرآغاز اتفاقات دیگری برای زائر است. یکی از زائران می‌گوید: «دوستی زائر با شهید منبع تحولات و اتفاقات خوبی می‌شود. شهید مثل یک دوست در هر لحظه زندگی دست زائر را می‌گیرد و راه را نشان می‌دهد. تنها باید در راه دلداده بود و با عشق پذیرای دوست بود. شهدا برای رفاقت کم نمی‌گذارند. آنها دوستانی بدون ادعا هستند که جز خوبی و سعادت چیز دیگری نمی‌خواهند. در بزنگاه‌های سخت زندگی به داد دوستشان می‌رسند و دستش را می‌گیرند، فقط به شرط آنکه در رفاقت، کسی رفیق نیمه راه نباشد.»

این رفاقت دیگر فقط به راهپیمایی اربعین محدود نمی‌ماند. شخص با شهیدی که انتخاب کرده است یا شاید هم توسط او انتخاب شده است، در بقیه روزهای سال و دیگر مناسبت‌های مذهبی همراه می‌شود و می‌تواند همراه خوبی برای او باشد. این سرآغاز یک دوستی بلندمدت و یک سرمایه‌گذاری دنیوی و اخروی است. یکی از مبتکران طرح «نایب الشهید» می‌گوید: «مثلاً کسی که به نیابت از یک شهید به اربعین می‌رود و ارتباط قلبی‌اش با او را حفظ می‌کند، می‌تواند در سایر مناسبت‌ها مثل ماه رمضان، به نیابت از شهیدش قرآن و دعا بخواند. یا اگر به زیارت امام رضا(ع) می‌رود به نیابت از شهیدش برود. این ارتباط در زندگی افراد خیلی کارساز و گره‌گشا خواهد بود و اتفاقات بزرگ‌تری را رقم می‌زند.»

> طرح «نایب‌الشهید» یک جنبه مهم و زیبای دیگر هم دارد. خانواده شهدا از اینکه می‌بینند نام و یاد شهیدشان توسط مردم زنده نگه داشته می‌شود و مردم قدردان کار بزرگی که شهدا کرده‌اند، هستند برایشان بسیار خوشحال‌کننده و ارزشمند است

امسال سومین سالی است که طرح «نایب‌الشهید» اجرا می‌شود و بازخوردهای خوبی از سوی مردم گرفته است. بسیاری از زائران با انتخاب شهیدشان با در دست داشتن عکس شهید در راهپیمایی حرکت می‌کنند و در زمان‌هایی که امکان گفت‌وگو و صحبت با دیگران پیش می‌آید به معرفی شهیدشان می‌پردازند. بسیاری از شهدای دفاع مقدس در طول حیات امکان رفتن به کربلا و عتبات عالیات را پیدا نکردند؛ حالا زائران، نایب‌الزیاره این شهدا شده‌اند و یاد و خاطره آنها را در کربلا و نجف زنده می‌کنند.

شهید علیرضا کریمی که پس از ۱۴ سال پیکر مطهرش در روز تاسوعا برگشت در وصیتنامه‌اش چنین می‌نویسد: «ما مسافر کربلا هستیم، راه کربلا که باز شد برمی‌گردیم، به امید دیدار در کربلا.» شهید کریمی امروز در میان زائران نیست ولی یاد و نامش در سراسر مسیر راهپیمایی دیده می‌شود و زائران می‌دانند این پیاده‌روی مرهون فداکاری‌ها و رشادت‌های شهدایی چون اوست.

خرسندی خانواده شهدا

یکی از زائران، شهید خلیل حسن‌بیگی را انتخاب کرده و نامش را روی کوله‌پشتی‌اش نوشته است. شهیدی که دوست داشت مثل اربابش بی‌سر شهید شود و عاقبت پیکرش بدون سر برگشت. شهید ابراهیم هادی نیز یکی دیگر از شهدایی است که بسیاری از جوانان تصمیم گرفته‌اند نایب‌الزیاره‌اش باشند. شهید هادی محبوب و عزیزدل جوان‌هاست و سبک زندگی‌اش برای بسیاری از جوان‌ها جذابیت دارد. کتاب «یادت باشد» موجب آشنایی بیشتر زائران با شهید مدافع حرم حمید سیاهکالی مرادی شده و زائران زیادی عکس و نام این شهید را با خود همراه دارند. آنها با خواندن کتاب «یادت باشد» به خوبی با طرز تفکر و عقاید این شهید و زندگی ساده و پاکش آشنا شدند و حالا می‌خواهند نایب الزیاره‌اش باشند. شهید مدافع حرم حمید تقوی‌فر نیز به واسطه فعالیت‌های جهادی‌اش در عراق، چهره‌ای آشنا برای مردم عراق و خطه جنوب است و زائران زیادی عکس این سردار بزرگ را در دست دارند و خواهان شناخت بیشتری از او هستند. شهید محسن حججی نیز مثل هر سال علاقه‌مندان زیادی را به سوی خود می‌کشد و زائران زیادی خواهان نایب‌الزیاره شدن این شهید مدافع حرم هستند.

برخی دیگر از زائران شهدایی از لبنان، سوریه، عراق، یمن و دیگر کشورهای جبهه مقاومت را انتخاب کرده‌اند تا سفیری جهت معرفی‌شان باشند. شهید جهاد مغنیه در میان شهدای جبهه مقاومت توسط زائران زیادی انتخاب شده و از محبوبیت زیادی برخوردار است.

البته تأکید مروجان طرح «نایب‌الشهید» بر این است که زائران فقط به شهدای نام‌آشنا تمرکز نکنند و سعی کنند شهدایی که کمتر برای جامعه شناخته شده هستند را معرفی کنند. شهدای ترور و شهدای امنیت و بسیاری از شهدای دفاع مقدس را هنوز بخش زیادی از جامعه به درستی نمی‌شناسد و چنین مناسبت‌هایی بهترین فرصت برای معرفی این شهدا به مردم است.

در فضای مجازی نیز مردم شروع به اشتراک‌گذاری تجربیات و انتخاب شهیدشان کرده‌اند. عکس‌ها و فیلم‌های زیادی از راهپیمایی زائران با عکس شهیدشان بارگذاری شده و صحنه‌های زیبایی را خلق کرده‌اند. اشتراک‌گذاری این تصاویر و فیلم‌ها در کنار تصاویر عظیم راهپیمایی اربعین، عظمت و ابهت راهپیمایی را دوچندان کرده است. زائران با پیراهن مشکی برتن عکس شهیدشان را در دست دارند و پیش می‌روند. این تصاویر برای همیشه در تاریخ ثبت خواهد شد و به همه خواهد گفت مردم ایران چطور قدردان شهدایشان بودند.

طرح «نایب‌الشهید» یک جنبه مهم و زیبای دیگر هم دارد. خانواده شهدا از اینکه می‌بینند نام و یاد شهیدشان توسط مردم زنده نگه داشته می‌شود و مردم قدردان کار بزرگی که شهدا کرده‌اند، هستند برایشان بسیار خوشحال‌کننده و ارزشمند است. زائران پیش از راهی شدن به سفر با رفتن به خانه شهیدشان و دیدار با خانواده‌اش، بهترین حرف و پیام را منتقل کنند. وقتی زائر به پدر و مادر و همسر و فرزند شهید می‌گوید می‌خواهم به نیابت از شهیدتان به زیارت اربعین بروم قوت قلب زیادی برای آن خانواده می‌شود. این برای خانواده شهید فوق‌العاده باارزش است هنگامی که می‌بینند عزیزشان که شهید شد، خونش روی زمین نماند و امروز پرچم را عده دیگری برداشته‌اند. مادر شهید مدافع حرم عارف کایدخورده سال گذشته در گفت‌وگو با «جوان» از اینکه زائران نام فرزند شهیدش را در جریان راهپیمایی بزرگ اربعین و دیگر مناسبت‌های مذهبی سال زنده نگه می‌دارند تشکر کرد و گفت: «از هر کسی که به هر نوعی یاد پسرم و پدرش را زنده نگه دارد تشکر و دعایشان می‌کنم. هر کسی هر جایی یاد آقا عارف را کند دعا می‌کنم تا سلامت و عاقبت‌بخیر باشد.»

طرح «نایب‌الشهید» بر بار معنوی راهپیمایی اربعین می‌افزاید و کمک می‌کند زائران دست پرتر از زیارت برگردند. راهپیمایی بزرگ اربعین بهترین زمان و مکان برای فعالیت‌های معنوی و مذهبی است. تلنگر اتفاقات خوب در زندگی بسیاری از زائران در جریان راهپیمایی اربعین زده می‌شود و تا پایان عمر ثمراتش ادامه دارد.

گفت‌وگو

روایتی از شهید امنیت یاسر افضلی به نقل از مادر شهید

در فراق من به یاد مصیبت اهل بیت(ع) بیفتید

شهید یاسر افضلی در ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۷۰ در روستای گنجان استان کرمان متولد شد و در تاریخ ششم آذر سال ۹۱ به عضویت نیروی انتظامی درآمد اما تنها یک سال و یک ماه زمان نیاز بود تا روح بی‌قرار یاسر در تاریخ ۱۸ دی ماه سال ۹۲ با بال‌های شهادت به پرواز در آید. او حین مأموریت در قلعه گنج کرمان هنگام درگیری با قاچاقچیان مسلح به شهادت رسید. مریم حسین‌خانی مادر شهید از زندگی فرزندش روایت می‌کند.

خادم‌الشهدا

یاسر متولد ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۷۰ بود. پسرم در رشته الکترونیک برق قبول شده بود اما چون وضعیت مالی خوبی نداشتیم و پدرش مریض بود، دانشگاه نرفت و ماند تا کمک حال ما باشد. خدمت سربازی را در کرمان گذراند و بعد از اتمام خدمت مقدس در نیروی انتظامی مشغول کار شد.

پسرم چند سال خادم مزار شهدا بود. بیشتر با هم برای غبارروبی گلزار شهدا می‌رفتیم. دایی‌ام شهید شده بود (شهید محمود میرافضلی دایی من و عموی همسرم بود.) یاسر همیشه از من می‌خواست خاطره‌ای از دایی‌ام برایش تعریف کنم. من هم برایش تعریف می‌کردم. بعد می‌گفت: «چه می‌شد من هم مثل دایی شما شهید شوم. اما اگر شهید شدم مبادا برایم گریه کنید.» می‌گفتم مادر جان! من یک ساعت طاقت دوری تو را ندارم چطور گریه و زاری نکنم؟ می‌گفت هر وقت می‌خواهی برای من گریه کنی یاد مصیبت حضرت زینب (س) و مظلومیت حسین (ع) بیفت.

> وقتی من مریض شده بودم و دیگر توان کارکردن نداشتم، یاسر با سن کمش مسئولیت خانواده را به دوش گرفته بود. بنایی، کارگری و هر کاری که از دستش برمی‌آمد انجام می‌داد. با این وجود هیچ‌وقت از زندگی‌اش ناراضی نبود. از روزگار نمی‌نالید و شکرگزار بود

مزار شهدای گنجان

گلزار شهدای گنجان پناهگاه یاسر بود. از بچگی با آن اُخت داشت. مدرسه هم که می‌رفت برنامه ریخته بود تا شب‌های جمعه به گلزار برود. مزار شهدا را تمیز می‌کرد و برمی‌گشت. آنقدر رفت و آمد تا بالاخره شهادت نصیب خودش هم شد. قبل از شهادتش آخرین‌باری که به مرخصی آمد، شب پنج‌شنبه بود و هوا هم خیلی سرد بود. در آن یخبندان شب، راه افتاد به مزار شهدای گنجان برود. ساعت از ده و نیم گذشته بود. هرچه اصرار کردم نرود، قبول نکرد. وقتی برگشت، صورتش نورانی شده بود. من با دو دستم صورتش را گرفتم و بوسیدم. گفتم چقدر یخ کردی! گفت من سر مزار تک‌تک شهدای گنجان رفتم و نشستم و فاتحه خواندم. سر مزار دایی شهیدتان هم رفتم و گفتم نمی‌شود این دفعه شما من را به مهمانی خودتان دعوت کنید؟ ناخودآگاه گریه‌ام گرفت.

کارگر ساده

وقتی من مریض شده بودم و دیگر توان کارکردن نداشتم، یاسر با سن کمش مسئولیت خانواده را به دوش گرفته بود. بنایی، کارگری و هر کاری که از دستش برمی‌آمد انجام می‌داد. گاهی برای گردو تکانی به باغ مردم می‌رفت و کار می‌کرد. با این وجود هیچ‌وقت از زندگی‌اش ناراضی نبود. از روزگار نمی‌نالید و شکرگزار بود. وجودش برای من نعمت بود. برای من هم پدر بود هم پسر.

وقتی به برداشت گردو می‌رفتیم، حواسش به تک‌تک گونی‌ها بود. آنقدر نسبت به حلال و حرام حساس بود که مدام تذکر می‌داد مراقب باشیم تا از بار گردوی مردم حتی دانه‌ای وارد گردوهای خودمان نشود. پسرم خیلی مقید به دوری از مال حرام و کسب رزق حلال بود حتی اگر به اندازه یک گردو باشد!

۶۰ گونی گردو

نماز و روزه یاسر قضا نمی‌شد. از ۱۰ سالگی تمام واجباتش را انجام می‌داد حتی در سخت‌ترین شرایط. یک سال فصل برداشت گردو مصادف شده بود با ماه رمضان. ما هم کار کنترات گردو برداشته بودیم. باید هر بار حدود ۶۰ گونی گردو را جمع‌آوری می‌کردیم و از ارتفاعات و مناطق صعب‌العبور تا خانه صاحب باغ می‌بردیم. کار سختی بود. با زبان روزه خیلی دشوار بود. هر چه به یاسر اصرار کردم یک امروز را روزه نگیر! می‌روی بالای درخت گردو، وقتی معده‌ات خالی باشد سرت گیج می‌رود و زمین می‌خوری قبول نکرد. می‌گفت: «من روزه‌ام را می‌گیرم، کارم را هم می‌کنم. وقتی که روزه‌ام، سرحال‌ترم. شما ناراحت نباشید.» بعداً متوجه شدیم آن روز سحری هم نخورده است.

غسل شهادت

آذر ماه سال ۹۱ یاسر به نیروی انتظامی رفت. دوستانش می‌گفتند هنگام انجام مأموریت، یاسر غسل شهادت می‌کرد. بچه‌ها که از علت این کارش سؤال کرده بودند گفته بود خدا کریم است، شاید شهادت نصیب ما هم شد. عاقبت پسرم در ۱۸ دی ماه سال ۹۲ حین مأموریت در قلعه گنج کرمان هنگام درگیری با قاچاقچی‌ها به آرزویش رسید و شهید شد.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۷۷۳

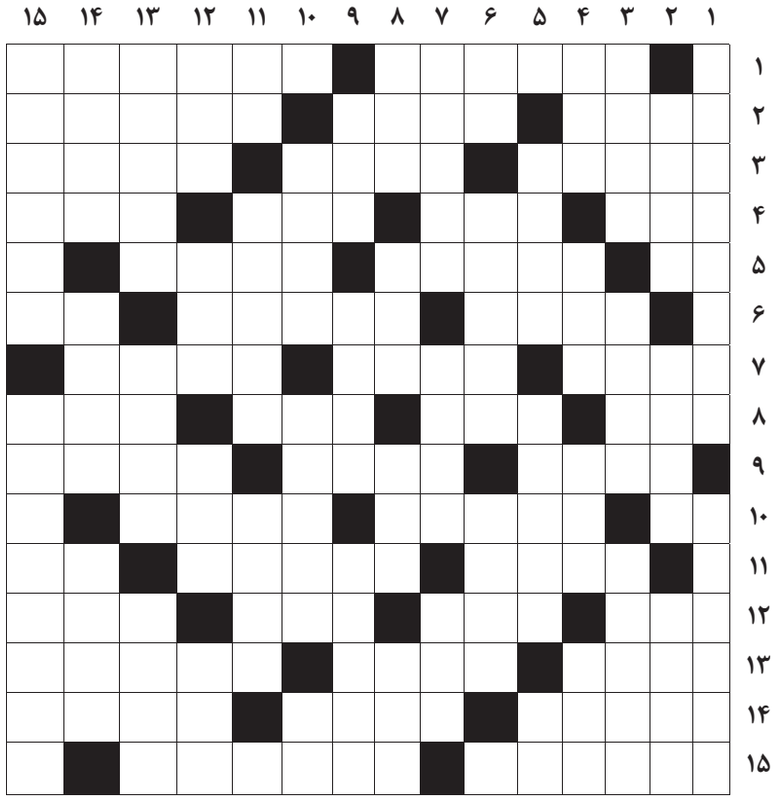

از راست به چپ

■۱- چهلم امام حسین(ع)- زخم‌بندی عضو آسیب‌دیده ■۲- مسابقه با وسایل موتوری- عیبجو- شرح‌دادن جزء به جزء قرآن یا نوشته‌های بسیار مهم ■۳- سفینه فضانورد اروپایی- چرم خوشبو- مهربان ■۴- هراس- پیچ و تاب- امیدواری- علت و موجب ■۵- بخار دهان- پایتخت بلغارستان- تا در آب است امید ثمری هست ■۶- ماست چکیده- سختکوشی در کاری- شهر جشنواره فرانسه ■۷- سرشماری- شیرینی پیچی- قلیه‌پوتی ■۸- ناسیونال- ستاره‌ای ریز در دب اکبر- ترشرویی- طولانی‌ترین رشته کوه دنیا ■۹- زینت و آرایش- بدون تغییر- قول و سخن ■۱۰- مخفف هستم- گردآوری و تنظیم- حرکت، جنبش ■۱۱- جسمی که به سرعت بخار شود- یکی از هفت دستگاه موسیقی ایرانی است- راز مگوی خانم‌ها ■۱۲- سپاس- مخزن سوخت خودرو- شش- از امراض جلدی ■۱۳- آشکار و هویدا- گربه زیبا- ایالتی در امریکا ■۱۴- نویسنده ایرلندی نمایشنامه آناکریستی- پیرو مراد- چرم خالص ■۱۵- مهم‌ترین نگرانی و دغدغه جوانان و به‌خصوص فارغ‌التحصیلان دانشگاهی- باقی‌مانده دانه‌های روغنی

از بالا به پایین

■۱- از مکان‌هایی که اسرای کربلا را در آن اسکان دادند- شعبه‌شعبه‌شدن ■۲- نژاد ما- متعهد- میوه موکتی ■۳- دردناک- تکنیکی در فوتبال- مادر فریدون و همسر آبتین ■۴- تزویر- شهری در لبنان- نماز یک رکعتی- پدربزرگ ■۵- زنده شدن مردگان- خانه زیرزمینی- طایفه کم‌حرف ■۶- علت نشده- جریمه گناه- پاره سنگ ترازو ■۷- بردش معروف است- وفاکننده به عهد- سبزی ضد سرطان ■۸- برابر و مقابل- اقامتگاه گردشگر- نام لمان، دروازه‌بان سابق تیم ملی آلمانی- استخوان ران ■۹- موی انگلیسی زبان- پرده‌در- از شهرهای استان کرمانشاه ■۱۰- روان شده و اجراشده- عامل مهم در تصادفات رانندگی- چسبناک ■۱۱- همراه آشغال- کم‌جمعیت‌ترین استان کشور- روحانی مصری ■۱۲- واحد شمارش درخت خرما- ریخت و قیافه- علف خشک- پارچه راه‌راه ■۱۳- حیله و مکر- بادکنک آدم‌بر- راه برون شهری ■۱۴- پیامبر صبور- کودن- محل جلوس مرشد در زورخانه ■۱۵- نکته‌سنج- پرنده کوچک خاکستری رنگ با دم بلند

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۸			۲		۵			۱
۲		۱				۳		۸
				۹				۶
			۸	۵				
		۳				۹	۴	
	۹	۷						
			۹		۳	۱		
۱	۳				۴			
						۲	۵	

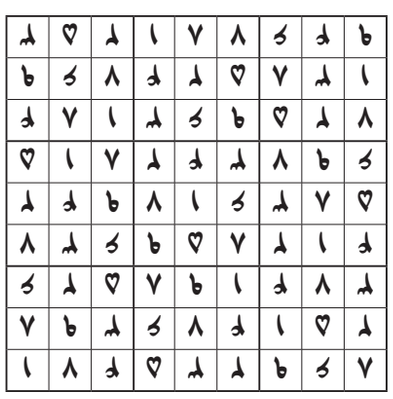

جدول کلمات متقاطع
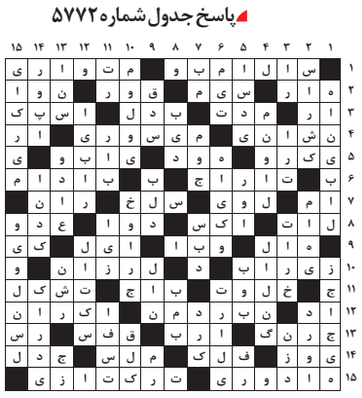
پاسخ جدول شماره ۵۷۷۲